

اختلالات یادگیری فرزندان را درک کنید

واژه «اختلالات یادگیری» یا «ناتوانی در یادگیری» به معنای عقب‌افتادگی ذهنی یا اختلالات عاطفی نیست. دانش‌آموزانی که ناتوانی در یادگیری دارند...



جام جم آنلاین: واژه «اختلالات یادگیری» یا «ناتوانی در یادگیری» به معنای عقب‌افتادگی ذهنی یا اختلالات عاطفی نیست. دانش‌آموزانی که ناتوانی در یادگیری دارند دارای مشکلاتی چون مشکل در صحبت کردن، خواندن، نوشتن، محاسبه، مشکل در تمرکز حواس و توجه به مطالب، گیج شدن در مورد زمان و فضا، رفتاری تحریک‌پذیرانه و مشکل در یادآوری و هماهنگی فیزیکی ضعیف دارند.

کودکان مبتلا به اختلال یادگیری پدر و مادر و معلمشان را گیج و آشفته می‌کنند، زیرا مطلبی را به آسانی می‌خوانند و مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند و فردا آن را فراموش می‌کنند. این دسته از کودکان معمولاً رفتاری نامشخص، غیرقابل پیش‌بینی و غیرثابت دارند. چنین کودکانی در فهمیدن و استفاده از اطلاعاتی که از حواس پنجگانه‌شان دریافت می‌کنند با مشکل روبه‌رو هستند. این مشکل در تشخیص، انتخاب و ارتباط دادن اطلاعات دریافتی و سپس مربوط ساختن این اطلاعات با دانسته‌های قبلی وجود دارد، بنابراین دانش‌آموزی با این اختلال ممکن است نتواند اطلاعات را برای مدت کافی در حافظه خود نگه دارد و استفاده درستی از آن بکند، حتی ممکن است وی اشکال یا فرم‌های کاملاً متفاوت را یک شکل یا همانند درک کند یا حروف الفبا را اشتباه تشخیص دهد. آنچه مسلم است نمای ظاهری و خارجی ناتوانی‌های یادگیری کودک نسبت به کودک دیگر متفاوت‌اند، ولی آنچه همیشه در آنها دیده می‌شود، الگوی مشخص ضعف یادگیری است که در کارهای تحصیلی کودک تاثیر می‌گذارد.

اختلال در خواندن

یکی از اختلالات بسیار رایج یادگیری، اختلال در خواندن است. اختلال در خواندن در واقع مهم‌ترین اختلال یادگیری است، زیرا خواندن، پایه همه انواع یادگیری‌هاست. مثلاً شاگردی که در خواندن مشکل داشته باشد به علت این که در درس ریاضی قادر به خواندن صورت مساله نیست، قطعاً در درس ریاضی نیز اختلال پیدا خواهد کرد. همین‌طور چون این دانش‌آموز نمی‌تواند مطلب را بدرستی و راحتی بخواند، در نوشتن نیز مشکل پیدا خواهد کرد یعنی در درس دیکته نیز دچار اختلال خواهد شد.

واژه «نارساخوانی» اغلب به نارسایی‌های فرد در خواندن اشاره دارد. برخی افراد از این واژه به منظور اشاره به همه انواع مشکلات خواندن و نوشتن استفاده می‌کنند. در مورد دانش‌آموزان مبتلا به نارساخوانی می‌توان گفت ممکن است آنان هیچ‌گونه مشکلی در زمینه گفتار نداشته باشند، ولی در زمینه تفسیر شنیداری با مشکل مواجه باشند. به عنوان مثال، مشکلات پردازش واج شناختی باعث می‌شود این کودکان نتوانند کلمه «پر» را از کلمه «تر» تشخیص دهند. در نتیجه ممکن است کودکان نارساخوان، افرادی «بهنجار» به نظر آیند با این تفاوت که نمی‌توانند بخوبی بخوانند و شنوندگان بد یا بی‌توجهی به حساب آیند.

برخی علائم اختلال خواندن:

- خواندن شفاهی آنان روان نبوده یا با مکث همراه است.

- دارای سرعت پایین در خواندن هستند.

- هنگام خواندن، حرفی را در کلمه اضافه می‌کنند.

- حروف را در کلمه جا به جا می‌کنند.

- آنچه را با صدای بلند می‌خوانند، درک نمی‌کنند.

یکی دیگر از اختلالات رایج یادگیری در دانش‌آموزان، اختلال در نوشتن است یعنی دانش‌آموزان مبتلا به این نارسایی، در بیان مقصود خود از طریق نوشتن مشکل دارند و در سطوح بالاتر در انشاءنویسی نیز دارای اشکال‌اند. ممکن است کودکان در بسیاری از زمینه‌های مربوط به زبان گفتاری و نوشتاری با مشکلاتی مواجه باشند از جمله این زمینه‌ها می‌توان دست‌خط، هجی‌کردن، نقطه‌گذاری، نوشتن با حروف بزرگ و انشاء را نام برد. شاید شایع‌ترین اختلال بیان نوشتاری، نارسایی در هجی‌کردن باشد. مشکلات هجی کردن ممکن است نشانه نارساخوانی و بیانگر مشکلات بنیادی در پردازش آواشناختی باشد. مشکل رایج دیگر اختلال نوشتن، مربوط به دست‌خط است. نباید کودکی با دست‌خط نسبتاً ناخوانا را «نامنظم» یا «بی‌دقت» دانست. در بیان نوشتاری، مشکلات دست‌خط یک نارسایی به شمار می‌آید و می‌توان آن را بخشی از نارسایی یادگیری غیرکلامی دانست. مشکلات بد نوشتن شامل کج و کوله‌نویسی حروف، فاصله ندادن مناسب چه از بالا و چه از پایین و بسیار کند نوشتن است.

ریاضیات چون مبتنی بر مفاهیم انتزاعی است درک آن به رشد عمقی و سطح بالایی نیاز دارد و از آنجا که بسیاری از دانش‌آموزان به‌رغم رشد جسمی و بالا رفتن سن به مرحله درک انتزاعی نرسیده‌اند، غالباً در درک مفاهیم ریاضی مشکل دارند هر کسی گاهی اوقات حرفی را ناخوانا می‌نویسد، اما دانش‌آموزان با اختلال در نوشتن بیشتر مطالب را ناخوانا می‌نویسند به طوری که درک آنچه که نوشته‌اند برای خواننده مشکل است. در چنین مواردی است که برای آنان نوشتن به عنوان مشکل تلقی می‌شود.

برخی علائم اختلال نوشتن:

– این دانش‌آموزان، همواره حروف را معکوس می‌کنند.

– به کندی و با زحمت فراوان می‌نویسند.

– توالی هجاها را رعایت نمی‌کنند. (برای مثال قسفه را به جای قفسه به کار می‌برند)

– اعداد را معکوس می‌کنند.

اختلال در یادگیری ریاضیات

یکی از دروسی که بسیاری از دانش‌آموزان مدارس در آن دچار مشکل و اختلال هستند، درس ریاضی است. ریاضیات چون مبتنی بر مفاهیم انتزاعی است، درک آن به رشد عمقی و سطح بالایی نیاز دارد و از آنجا که بسیاری از دانش‌آموزان علی‌رغم رشد جسمی و بالا رفتن سن به مرحله درک انتزاعی نرسیده‌اند، غالباً در درک مفاهیم ریاضی مشکل دارند. نارسایی‌های واقعی ریاضی شامل مشکلاتی در مفاهیم و مهارت‌های ریاضی از جمله محاسبه، حل مساله، هندسه، محاسبات ذهنی برآورده احتمالات آمار، کسر اعشاری، اندازه‌گیری و کسر است. برای اختلال داشتن در حساب و به طور کلی ریاضی اصطلاح «نارسایی در ریاضی» مرسوم‌ترین اصطلاح است. به طور کلی اختلال در ریاضی به معنای اختلال شدید یا ناتوانی کامل در محاسبه کردن است. بعضی از دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری هستند و در ریاضی و در خواندن دشواری دارند و برخی دیگر فقط در یکی از این حوزه‌ها دچار مشکل‌اند. در نتیجه، عملکرد دانش‌آموزانی که فقط مشکلات ریاضی دارند با مسائل دانش‌آموزانی که در ریاضی و خواندن هر دو مشکل دارند، متفاوت است.

برخی علائم نارسایی‌های ریاضی :

– مفاهیم اساسی ریاضی را دشوار می‌یابند.

– در نوشتن اعداد در یک ستون و زیر هم با مشکل مواجه می‌شوند.

– در حل محاسبات چند مرحله‌ای گیج می‌شوند.

– در ریاضی بسیاری از پاسخ‌های آنها نادرست است.

مشکلات هیجانی دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری

برخی از مشکلات هیجانی دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری به این شرح است:

افسردگی: بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری در مقایسه با همسالان خود افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند. این افسردگی می‌تواند علل متفاوتی داشته باشد. مثلاً این دانش‌آموزان اغلب قادر نیستند ناکامی‌ها و شکست‌های پی‌درپی ناشی از اختلالات یادگیری‌شان را تحمل کنند و اگر دل‌سردی آنها مهار نشود، می‌تواند به احساس درماندگی، عدم کفایت و ناامیدی آنان منجر شود. این امکان وجود دارد که نوع نارسایی یادگیری نیز بر احتمال افسردگی آنان بیفزاید. به عنوان مثال نارسایی‌های اساسی زبان در ارتباطات اجتماعی آنان مداخله می‌کند و این امر مشکلات اجتماعی و اعتماد به نفس ضعیف آنان را به دنبال دارد. احتمال دیگر این است که نارسایی یادگیری کودک پیامدهایی داشته باشد که در افسردگی آنان نقش دارد. برای مثال برچسب خوردن، شناسایی شدن به عنوان فردی متفاوت از همسالان خود و طرد شدن توسط همکلاسی‌ها می‌تواند احساس انزوا و افسردگی کودک مبتلا را افزایش دهد.

اضطراب

دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری، در مقایسه با دانش‌آموزان بدون نارسایی، سطوح بالاتری از اضطراب عمومی را تجربه می‌کنند. عموماً این دانش‌آموزان در مدرسه با موقعیت‌های بسیاری روبه‌رو هستند که در آن با مشکلی مواجه می‌شوند و همچنین ممکن است اضطراب شدید با این احساس دانش‌آموز، مرتبط باشد که مسائل از کنترل او خارج است زیرا این دسته از دانش‌آموزان عادت دارند که شکست و موفقیت خود را به دیگران نسبت دهند. برخی از این دانش‌آموزان معمولاً اضطراب خود را به طور مستقیم بروز می‌دهند، به عنوان مثال، به خود شک می‌کنند: «اگر قبول نشدم چه می‌شود؟» آنان ممکن است اضطراب خود را به صورت جسمانی هم نشان دهند. مثل علائمی چون سردرد، دل‌درد و خستگی مفرط. این علائم به احتمال زیاد نشان‌دهنده درماندگی کودک است و ممکن است تلاش‌هایی نسبتاً ناهوشیارانه برای جلب حمایت اطرافیان به شمار آیند.

احساس تنهایی

به طور کلی دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری در روابط بین فردی خود مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند و آنها در مقایسه با همکلاسی‌های خود از شایستگی اجتماعی کمتری برخوردارند. به طور ویژه، رفتارهای محاوره‌ای آنان از جرات و تاثیرگذاری کمتری برخوردار است و گاه ممکن است آنها، ارتباطات غیرکلامی را نادرست برداشت کنند. در واقع این دانش‌آموزان در پذیرش اجتماعی، خود را منفی ارزیابی می‌کنند و بیشتر مورد سوءاستفاده همسالان خود قرار می‌گیرند به طور کلی احتمال می‌رود این دانش‌آموزان بیشتر توسط همکلاسی‌های خود طرد شوند. شاید دانش‌آموزان مبتلا به این اختلال به دلیل طرد شدن‌های پی‌درپی توسط همسالان انتظار داشته باشند که در آینده نیز احساس تنهایی بیشتری نمایند. به طور اخص کودکان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری، اغلب خودمحور هستند و در نتیجه چنین کودکانی ممکن است درک نکنند که چرا دیگران آنان را طرد کرده یا نافرمان تلقی می‌کنند.

راهکارها

– ناتوانی در یادگیری یکی از اعضای خانواده، مساله‌ای است که به اعضا و کودکان دیگر خانواده نیز مربوط می‌شود. امکان دارد به کودکی که مشکل دارد بیش از حد توجه و برای او دلسوزی کنید که همه اینها مضر هستند.

– به کودک خود کمک کنید نقاط قوت و ضعف خود را دریابد و به او بفهمانید که فردی باهوش و عادی است و تنها دچار مشکلات جزئی است که می‌تواند از پس آنها برآید.

– وقتی متوجه رفتاری در کودکان می‌شوید که نشان‌دهنده مشکلات یادگیری است، به آن به شکل یک مساله برخورد کنید و به آن دقیق شوید.

– به دنبال راه‌هایی باشید که کودک در آن راه‌ها بتواند موفق شود و احساس خوبی در مورد خودش پیدا کند.

– او را به خاطر هر کاری که خوب انجام می‌دهد، تحسین کنید. ممکن است کودک نتواند محاسبات ریاضی را خوب انجام دهد، ولی امکان دارد هنرمند خوبی باشد.

– کودک را به برقراری روابط دوستانه تشویق کنید. دوستان کودکان را به منزل دعوت کنید تا با هم بازی کنید یا اجازه دهید کودکان به منزل دوستانش بروند و با آنها بازی کنند.

– به صورت نمایشی، رفتارهای درست اجتماعی و آداب و رسوم صحیح را با او تمرین کنید به او نشان دهید که چگونه باید با مردم رفتار کند.

– مهم‌ترین نکته این است که هیچ‌گاه به عنوان والد، منتظر معجزه در مورد کودک مبتلا به اختلال یادگیری خود نباشید. می‌توانید روش‌هایی را به کار گیرید که نقاط ضعف کودک تا حدودی جبران شود. خودتان را درگیر باورها و عقاید نادرست اطرافیان نکنید. درمان این کودکان احتیاج به وقت و تلاش بی‌وقفه دارد. به آلبرت اینشتین، نلسون راکفلر و توماس ادیسون نگاه کنید؛ همه این افراد دچار ناتوانی‌های یادگیری بوده‌اند.

معصومه اسدی / جام جم